بشمشیر صدق در میدان انفاق یا مقاتله نموده باشند از پستی مجازی و بکلی هستی حقیقی فانی گشته لاکفرن هر آینه بپوشیم سیئات
وجود مجازی ایشان را ولادخلنهم و در آرم ایشان را در بهشت وصول که آن بقاست بوجود باقی حقیقی حسن ثواب خود مرتبه عندیت
که مراد در قرب باشد ای درویش عنده الثواب در هم راحت جراحت مهاجرت و ابتلا و محنت است تا چنان دری بدید نیاید چنین دوا
روی ننماید و گفته اند مراد ازین پاداش نیکو رضا و لقاست و این دو چیز مطلوب همه اصفیا در کجاست بیت از نور لقای تو دلم شاد
شود وز فیض رضا باطنم آباد شود بعد از وعده ثواب عظیم در آخرت درویشان مهاجر را امید هدر دنیا تا باشد اید فقر و فاقه در سازند
و نظر بر ثروت و تنعم کفار و راحت و تجمل فجار نه اندازند که دولت دنیا چون شعله برق ناپایدار است و اسباب حصول او حاشش
چون لمعه شراب زود میشود و بی اعتبار رباط گیتی سرای وحشت و نفرتست و منظر نگارخانه امن و سلون بیت کهنه رباطیست بعید جا
کهنه واندر گرو نو بنو در تفسیر آمده که مشرکان مکه در وسعت معیشت و سهولت عیش بودند و فقرا مؤمنان بعسرت و شدت زندگانی
مینمودند بر خاطر جمعی از ایشان گذشت که این چگونه تواند بود که بت پرستان در ناز و نعیم اهتزاز مینمایند و خدای شناسان
بقدم مشقت بادیه عنا در کرنی نمایند حق تعالی این خطاب با پیغمبر خود صلعم نمود و مراد ویشان است اند که لا یغرنک باید که در نیابد
ترا و مغرور نکرداند تقلب الذین کفروا رفتن و آمدن کافران فی البلاد در شهرها برای تجارت نهی در ظاهر راجع بتقلبست و در معنی نهی مخاطب
نهی میکند از غرور و این از قبیل تنزیل سبب است بمنزله سبب اول منع سبب کرد که فریب داون تقلب است تا مسبب که غرور باشد فیت
ممتنع باشد و زاد المسیر آورده که آن مزارع کشت زار است سبع سنابل که خرمن ماه و خوشه پروین بطفیل وی بر مزرعه فلک بدید آمده اند
فقری جو از جهودی بوام طلبید و آن لئیم سفله گفت که بی رهن این معامله نخواهد کرد حضرت رسالت صلعم از یشان بازگشته بگفت
لو اعطانی لاوفیته اگر این معامله بی انصاف قرض بمن دادی هر آینه باو باز میگذارم و انی لامین فی السماء امین فی الارض پس ازان
این آیه نزول آمد و مراد تثبیت آنحضرتست بر صفت فقر و قناعت یعنی ای مهتر عالمیان و بهتر آدمیان باید که بهمین طریق که فرمیشوی تنعم
کافران و تقلب ایشان ثابت باشی که تصرف این طایفه در تجارت و بودن ایشان در آسانی و فراخی معیشت متاع قلیل متاعی اندکست
که زود زایل شود و ازان برخورداری نباشد متاع دنیا را زیرا که نفس لامر اندکست بجهة فنا و انقضا آن و در امثال آمده که کل زایل قلیل
باندکست در جنب آنچه خدای مؤمنان را وعده کرده از نعیم جاودانی یا قلیلست بنسبت آنچه از ارباب آن فایت گشته از ثواب
آن جهانی و از حضرت پیغمبر صلعم روایت کرده اند که مثل دنیا در جنب آخرت مثل مانند اگر یکی از شما انگشت خود را در دریا زند گوبنظر
در نگر از دریا چه مقدار بر داشته است ای عزیز درین حدیث ایمای میفرماید بانکه تمام نعمت دنیوی در جنب نعیم اخروی بمثابه قطره
تواند نسبت با دریای و پیداست که این قطره را که بر تمام اهل دنیا و درون عالم قسمت کنند چه مقدار نصیب بازرگانان که
فتاده باشد پس بدان متاع مختصر کافران غره مشوید که متاع ایشان در دنیا بغایت اندکست ثم ماویهم جهنم و پس از آنکه با غره و
بازگشت ایشان زندان دوزخ باشد و بئس المهاد و بد آرامگاهیست دوزخ و چون حال کافران بر سبیل ایجاز و اختصار که متضمن تحقیر ایشانست
وقوع یافت در وصف منازل متقیان برای اظهار عنایت در شان ایشان اطناب میفرماید و کلمه استدراک که صاحب مدارک بمجرد

درپی بد

درپی بد که بوی عظیم بیان مال مؤمن و کافر نیستوانند بود و ایراد نموده میفرماید که ماوای کفار معلوم شد لکن الذین اتقوا ربهم لکن آنان که بترسید
از عقاب پروردگار خود و یا پرهیز کردند از تعظیم استغنا و بال بی مزوری شدند لهم جنات مر ایشانراست بوستانها تجری
من تحتها الانهار در زیر قصور آن یا در پای درختان آن جویها از شربت یا ودان تنکیر جنات و صفش که توضیح است بعد از ابهام برای
تعظیم باشد یعنی بوستانها و چنان بوستانها برای متقیانست خالدین فیها جاویدان باشند دران نزلا در حالتی که این بهشتها
نزل باشد یعنی پیش کش مر ایشانرا من عند الله از نزد یک خدای نزل فیشترین چیزرا گویند که در منزل نازل حاضر سازند و بسیاری نوعی آن
دلیل کرامت مهمان و نیکو داشت او باشد و هرگاه که بهشت نزل مهمانان دولت سرای وصالست چنان معلوم میشود که قسمتگاه تماشای
پرتو انوار جمال خواهد بود بیت توای زاهد بسوی باغ بهشتم میکنی دعوت نمیخواهم بهشت و دعوت دیدار میخواهم و ما عند الله و آنچه
نزدیک خدایست از الطاف خفیه و مواهب سریه که برای مقربان بارگاه فضل آماده کرده و چنانچه فرمود اعددت لعبادی الصالحین
ما لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر خیر للابرار هر آینه خیر للابرار بهتر است مر نیکوکاران را از متاع فانی دنیوی از فاروق اعظم نقل است
که بخانه سید عالم صلعم در آمدم و آن شاه سریر لی مع الله بر حصیری تکیه زده بود و سلطان چارپالش ارنی باشی زادم حشو آن لیف خرما در زیر
سر نهاده و من اثر حصیر در پهلوی مبارکش دیدم گریه بر من غلبه کرد و خواجه فرمود ما یبکیک سبب گریه تو چیست گفتم یا رسول الله کسری اکاسره
و قیصر زنا رسند بر تختهای زرین و فرشهای ابریشمین تکیه زنند و حال تو که رسول خدای و خلق را بحق راه نمای بر منوال کذر فرمود که آیا نمیخواهی
نیستی که جیفه ناپاک زمینی ایشانرا باشد و نعمت پاکیزه آخرت ما را بیت آدمی را بسست نعمت دنیا استخوان از سوی سگان اندازد و چون
منزل متقیان بیان فرموده بر ضمیر جمعی از اهل کتاب که باسلام در آمده بودند میگذشت که آیا ما و دیگر مردم پرهیزکاران در محل سیم یا نی حق تعالی
ایشانرا از رحمت رحیمیه بهره مند ساخته میفرماید و ان من اهل الکتاب هر آینه که از اهل کتاب لمن یؤمن بالله کسیست که میگرود بوعده نعمت
خدای تعالی و ما انزل الیکم و ایمان دارد بانچه بر شما منزل شد یعنی قرآن و ما انزل الیهم و آن نیز که فرستاده اند بایشان یعنی توریة
مراد ابن سلامست و اصحاب او و گفته اند مؤمنان اهل کتاب علی العموم از یهود و نصاری و برین تقدیر ما انزل الیهم توریة و انجیل باشد و اکثر برانند
که آیه در شان نجاشی ملک حبشه فرود آمد بوقتی که آن شاه کامکار و سلطان دیندار بتوجه دار القرار شد و آن در سال نهم بود از هجره که تخت سلطنت
را وداع کرده روح مصفای او را بر خوان هفت پایه آسمان هم کاسه مسیحا ساخت جبرئیل در همان ساعت سید کاینات را بوفاة نجاشی خبر گفت
آنحضرت یاران را از وفات او خبر داده بمصلی بیرون رفت و بر وی نماز گذارد و جثه او را از فرش طلبید و دران حال حجابها از پیش بر داشته بود
نماز میگذارد و بنظر انوار سید بشر در آورده منافقان بدین جهت اعتراض کردند که چیست این مرد را که بر حبشی نصرانی که نه بر دین ویست
نماز گذارد و رب العالمین نزل این آیه برایمان وی گواهی داد و نزد ارباب سیر متوارث است که نجاشی بر دست جعفر بن ابی طالب نفی
بیعت کرده بود و بشرف اسلام مشرف گشته و فضایل نجاشی بسیار است صاحب ترجمه مستقصی شمه از مناقب او ذکر کرده و قول
عطا آنست که این آیه در شان چهل مرد است از اهل نجران سی و دو از حبشه هشت از روم که بر دین عیسی بودند پس بسید انام صلوات الله علیه
ایمان آوردند حق تعالی ایشانرا بستوده که گرویدند بخدای و کتابها منزل او خاشعین لله در حالتی که ترسکاران یا متواضعان

Copyright © King Saud University